

عنوان مقاله:

دستور استعاره های زبان شناختی در زبان فارسی براساس چارچوب دگنان: مطالعه موردی حوزه مبدا «دست»

محل انتشار:

فصلنامه زبان شناسی اجتماعی، دوره 5، شماره 2 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسندگان:

ساناز قربانی - دانشجوی دکتری زبان شناسی همگانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

جلال رحیمیان - استاد زبان شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

امیرسعید مولودی - استاد زبان شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

خلاصه مقاله:

هدف پژوهش حاضر یافتن پاسخ برای این پرسش ها است که دستور (اقسام کلمه، تصریف، دستور واژگانی) چه نقشی در تجلی استعاری حوزه مبدا دست به عنوان عضوی از اعضای حوزه مفهومی اندامهای بدن انسان ایفا میکند و دیگر این که سهم هریک از سطوح مورد بررسی دستور در تجلی استعاری این حوزه مفهومی چقدر است؟ به بیانی دیگر، مشخص شود که کدامیک از این سطوح نقش بیشتری در تجلی استعاری واحدهای واژگانی دست به عنوان یک حوزه مبدا ایفا میکنند. به منظور پاسخ دادن به این پرسش ها از پیکره همشهری (نسخه ۲) استفاده می شود تا نقش دستور در استعاری شدن مفاهیم واژگانی در حوزه مفهومی دست به عنوان یک حوزه مبدا تعیین شود. یافتههای این پژوهش نشان می دهد که سطح نخست دگنان (۲۰۰۵، ۲۰۰۶) نقشی در استعاری شدن مفاهیم ندارد. از میان مولفه های سطح دوم، صورت مفرد در هریک از کاربردهای استعاری و تحتاللفظی تنها صورت معنادار تصریف است. با این وجود، طبق یافتههای حاصل از آزمون آماری مجذور خی این صورت تصریفی جمع است که در مقایسه این دو کاربرد، نقش موثرتری را در کاربرد تحتاللفظی ایجاد میکند. در نهایت، در سطح سوم الگوهای نسبتا ثابت معناهای استعاری و الگوی نحوی آزاد دست در معنای تحت اللفظی چگونگی استعاری شدن مقوله های معنایی را بازتاب می دهند.

کلمات کلیدی:

استعاره، دستور استعاره، زبان شناسی پیکره ای، چارچوب دگنان، حوزه مبدا دست، زبان شناسی اجتماعی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1617366>

